

توانمند سازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروند مدار در ایلام

اصغر نظریان* - استاد دانشگاه تربیت معلم، گروه جغرافیا، تهران، ایران
نادر شوهانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۹۰/۵/۲

پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۲۵

چکیده

افزایش بی حد و ناگهانی جمعیت شهری ناشی از رشد طبیعی و مهاجرت روستائیان و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز تحولات شگرف فرهنگی و تکنولوژی و همچنین جهانی شدن و تأثیرات آن بر جوامع مختلف باعث بوجود آمدن مسائل و مشکلات فراوانی در حوزه مدیریت شهری گشته است. این جریان باعث اختلال و چالش در مدیریت شهری شده و لزوم توجه به برنامه‌ریزی در جهت استفاده از خرد جمعی، تکثرگرایی، مسئولیت پذیری، مشارکت شهروندان، عدالت و حقوق شهروندی، پاسخ‌گویی به شهروندان، جهت توانمندی مدیران را ایجاب می‌نماید. مدیریت شهری، در درجه اول ارتباط تنگاتنگی با جامعه شهری در سطح خرد، شکل‌گیری و شکل دادن به جامعه مدنی محلی و شهری، شهروندسازی محلی، ارتقای شهروندمداری شهری، تثبیت حقوق و وظایف شهروندی، تقویت مشارکت شهروندی و عدم توجه به خواست و نظر شهروندان در اداره امور محلی و شهری دارد. این مقاله توانمند سازی مدیریت شهری را در بستر مفاهیم عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندی، مدیریت شهری مشارکتی و پاسخ‌گو و شهروندمداری که تأثیر فراوانی در توسعه انسانی پایدار دارد را در شهر ایلام مورد بررسی قرار می‌دهد. شهر ایلام که در طول سه دهه بعد از انقلاب با امواج رو به افزایش مهاجرت روبرو بوده، تحولات زیادی در ساختار کالبدی و اجتماعی پیدا کرده است این امر برنامه‌ریزی صحیحی را طلب می‌کرده و در حال حاضر نیز مدیریت نظام یافته‌ای را می‌طلبد. در این میان تقویت روحیه مشارکت و شهروندمداری از عواملی هستند که می‌تواند این نظم در هم ریخته را انتظام بخشد. در ادامه تحقیقاتی که برای انجام رساله در چارچوب توانمند سازی نظام مدیریت شهری و شهروندمداری در شهر ایلام تدوین گردیده و راهکارهای مناسب با استفاده از روش‌های کمی و کیفی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، مدیریت شهری، شهروند، مشارکت شهروندان، شهر شهروند مدار، ایلام

۱. مقدمه

شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود. شهروند و مدیریت شهری ماهیتی فاعلی دارند و کالبد شهر ماهیتی انفعالی، انسان بنا به مدنی الطبع بودن میل به شهروندی دارد و نیازمند حیات مدنی است و مدیریت شهری مکلف به سازماندهی و مدیریت کالبد شهر است. در شهر شهروند مدار، برای بهبود و توانمند سازی مدیریت امور شهری ضرورت مشارکت، همه بهره‌وران شامل دولت (شهرداری‌ها)، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی، مردم و شهروندان ایجاب می‌کند. شهروندان بایستی به نوبه خود برای بهبود شهر قدم‌های مؤثری بردارند. بنابراین لازمه رفع ناپایداری در شهرها، رفع ناپایداری از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و کارآمدسازی، اثر پذیری و مسئولیت پذیری بیشتر در اداره امور شهر و تفویض وظایف، صلاحیت‌ها و قدرت به محلات و مردم، حاکمیت قانون، عدالت فضایی دردسترسی به امکانات و تسهیلات، پاسخ‌گویی، شفافیت، بهبود زیرساخت‌ها شهری، شهروند سازی، افزایش ظرفیت و توانمند سازی بخش خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد. همچنین شهروندان می‌بایست در این شهر ضمن احترام به شهروندان دیگر، قانون پذیر بوده و مشارکت جو در امور شهر باشند و بر امور مدیران شهری نظارت داشته باشند حسن همکاری با شهرداری و مسئولین شهری، حل مشکلات شهری از طریق همکاری و مشارکت نهادهای غیردولتی از شرایط لازم جهت تحقق آن می‌باشد (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی ۱۳۸۲: ۵۱).

شهر ایلام در طی دهه‌های اخیر تحولات جمعیتی و کالبدی متناوبی را پشت سر گذاشته است به طوری که جمعیت آن از ۸۳۴۶ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۷۶۳۹۷ نفر در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده، یعنی در طول ۵۴ سال گذشته جمعیت شهر بیش از ۲۱ برابر شده است که این خود نشان دهنده رشد بالای جمعیت این شهر است. شهر ایلام بعنوان یک نخست شهر ناحیه‌ای، بیش از ۲۵ درصد از کل جمعیت و ۴۵ درصد کل جمعیت شهرنشین استان را در خود جای داده است. با توجه به این که اکثر مهاجرین از مناطق روستایی به شهر آمده و سواد، آموزش و آگاهی کافی از قوانین شهری برای در سکونت در شهر را ندارند، موجب ایجاد معضلاتی عدیده‌ای در شهر ایلام شده است. بر این اساس، نگرش جدید به مدیریت شهری و مشارکت شهروندان و توجه ویژه به شاخص‌های شهروند مداری جهت تأمین خواست و نظر شهروندان در امور شهر برای رسیدن به تعادل و توسعه پایدار شهری ضروری است (شوهانی، ۱۳۸۲: ۱۷۷). با توجه به معضلات فراوان شهری در شهر ایلام، رویکرد جدید شهروند محوری برای توانمندی مدیریت شهری مورد نظر قرار می‌گیرد توجه به این مسائل و تحولات شدید جمعیتی و اهمیت مشارکت شهروندان در امور شهری و پیشرفت درجه شهروند مداری سؤالی‌هایی

در ارتباط با عملکرد مدیریت شهری در راستای تحقق الگوی شهر شهروند مدار و بررسی میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ایلام برای شهروند مداری این که آیا شهروندان امکانات و شرایط لازم را برای مشارکت در امور شهر و پذیرش روحیه شهروند مداری دارند یا خیر؟ و آیا مدیران شهری آمادگی کافی برای استفاده از مشارکت و تقویت روحیه شهروندی در مردم شهر را دارا هستند؟ و ساکنان شهر از نظر فرهنگی و اجتماعی آمادگی کافی برای شهروند مداری دارند؟ وضعیت NGO و سازمان‌های صنفی در مشارکت در شهر چگونه است؟ مطرح بوده مسلماً این سوالات فرضیه‌هایی را مطرح می‌کند که بشرح زیر می‌باشد:

- بین میزان تحقق الگوی شهر شهروند مدار و مدیریت شهری کارآمد رابطه وجود دارد.
- بین عملکرد مدیریت شهری و تقویت روحیه شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت شهروندان و مدیریت شهری پایدار رابطه وجود دارد.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

اگر چه شهر شهروند مدار به عنوان یک رویکرد جدید از مباحث مهم مطرح شده در دهه اخیر و بویژه سال‌های گذشته بوده و از سوی دیگر بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی همچنان روی این مباحث تأکید دارند لیکن این مهم نه تنها در عمل چندان تحقق نیافته و مشکلات فراوان دارد. بلکه حتی در حوزه نظری نیز پژوهش چندان جامعی در مورد آن صورت نگرفته است. از سوی دیگر موضوعاتی همچون جامعه مدنی، دموکراسی، تکثرگرایی، کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی، شهروند محوری، مدیریت غیرتمرکز و پاسخ‌گو، رفاه شهروندی، آموزش شهروندی، فرهنگ شهروندی، پاسخ‌گویی مدیریت شهری دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بسیار زیادی بوده و مورد توجه رشته‌های مختلف می‌باشد. لذا اغلب پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده از سوی پژوهشگران رشته‌های مذکور ابعاد خاصی از این موضوع را مدنظر داشته‌اند. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت شهروند مداری برای توانمندی مدیریت شهری توجه به این مفهوم برای گره گشایی بسیاری از مشکلات شهرها ضروری است (خسروی، ۱۳۷۷، ص ۴۸). بر این اساس خلاصه‌ای از نظریات مرتبط با موضوع تحقیق بیان می‌شود. اولین نظریه، تئوری است که بر پایه اعتقاد به اصول دموکراسی، کثرت گرایی و جامعه مدنی استوار است. از این دیدگاه تصمیم‌گیری درباره شهر باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن دخیل و ذی‌نفع هستند و بنابراین می‌باید بر اساس آزادی، برابری و حق انتخاب شهروندان استوار گردد تحقق این امر به دخالت و همکاری فعال نهادهای اجتماع محلی، سازمان‌های غیرحکومتی، گروه‌های کارشناس و غیر وابسته است (مهدی زاده و دیگران ۱۳۸۲: ۱۰۸).

دیدگاه دیگر نظریه مشارکت شهری است. امروزه در اکثر کشورها مشارکت شهروندان جزء جدائی‌ناپذیر فرآیند برنامه‌ریزی شهری است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۳۸). در دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های اثبات‌گرایی منطقی، در شکل جهان‌شمولی، مورد تردید قرار گرفت و اندیشه مشارکت مردم در امور شهرها مورد توجه واقع شد که حاصل آن آثار دیوید هاروی و تولد مکتب جغرافیای رادیکال بود (قوام، ۱۳۸۱: ۱۴۸). نظریه مدیریت شهری از دیگر نظریات مرتبط با اصول شهروندمداری است مدیریت شهری نوعی دموکراسی و خودگرانی محلی است که مردم در آن مشارکت بالایی را دارا هستند و این مشارکت برای اداره بهتر شهر می‌باشد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۳: ۳۲۴). ساختار مدیریت شهری باید مبتنی بر اصولی باشد که در واقع پی و شالوده این ساختار را به وجود می‌آورند این اصول عبارتند از اصل تربیت شهری و آموزش شهروندان، اصل نظریاتی مداوم از شهروندان و نیز اصل جلب اعتماد بخش مردمی و خصوصی (مزینی، ۱۳۷۹: ۵۲).

۱-۲. مدیریت شهری و سیر تحول تاریخی آن

در دوران مادها، شهرها بیشتر کارکردی نظامی داشتند. در آن دوران ساختار اقتصادی-اجتماعی کشور چندان تکامل پیدا نکرده بود تا رونق بازرگانی و تولید صنایع دستی را که هر دو به زندگی شهری شکل می‌دهند، سبب گردد (نظریان، ۱۳۷۴: ۷). حکومت سلوکیان نمایانگر تجربه بزرگ تاریخی در بنیان‌گذاری شهرهایی است که حکومت خود فرمان (به سبک شهرهای یونانی) دارند و در این زمان است که شهرنشینی در ایران شتاب می‌گیرد (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۰). بیشتر پادشاهان سلوکی از دخالت مستقیم در امور داخلی شهرها اجتناب می‌کردند، زیرا امور داخلی شهرها توسط شورای شهر اداره می‌شد. شهروندان از آزادی عقیده برخوردار (سلطان زاده، ۱۳۶۷: ۶۰).

در روزگار پارتیان، سیاست اداره شهرها بر تابعیت پادشاه قرار داشت (سلطان زاده، ۱۳۶۷: ۱۲۳) در روزگار ساسانیان همه شهرها زیر فرمان و قدرت شاهان قرار داشتند: در این دوره شهرها رفته رفته به تابعیت شاهان درآمدند و زمینه برای مداخله شاهان در امور شهرها فراهم گردید. (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

با فروپاشی تشکیلات سیاسی ساسانیان، شیوه اداره شهرهای کشور نیز دست خوش تغییرات بسیاری گردید و قوانین اسلامی وارد زندگی شهری ایران شد. در دوران اسلامی - عده‌ای از مأموران محلی و دولتی - امور اجتماعی، اقتصادی و انتظامی هر شهر را اداره می‌کردند و هر یک از آنها وظایف، تکالیف و مسؤولیت‌های ویژه‌ای داشتند. شهروند شهرهای دوره اسلامی فرمانبردار احکام اسلامی، خلیفه یا نمایندگان او هستند (نظریان، ۱۳۷۴: ۲۱).

مدیریت شهری به شکل نوین در ایران، به دوران پس از مشروطیت تعلق دارد. طبق قانون بلدیة (مصوب سال ۱۲۸۶ خورشیدی) ادار امور هر شهر به عهده انجمن بلدی گذارده شد و این انجمن موظف به اجرای خواست‌ها و انتظارات مردم شهرنشین بود در آن روزگار وظایف شهرداری‌ها بسیار ساده بود و از زمره امور خدماتی و رفاهی فراتر نمی رفت (سعید نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۰).

دوران پهلوی از بسیاری از جهات پایه گذار تغییراتی چند در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران گردید (لطیفی، ۱۳۸۷: ۱۰۴) در این دوران انتخاب شهردار بر عهده دولت بود و اعضای شهرداری، کارمند دولت محسوب می شدند. در سال ۱۳۰۹ با لغو قانون بلدیة (مصوب سال ۱۲۸۶) و تصویب قانون جدید شهرداری‌ها، به طور رسمی نظارت و هدایت شهرداری‌ها بر عهده وزارت کشور گذاشته شد. با توجه به این که در قانون جدید بر وابستگی شهرداری‌ها از نظر مالی، اداری و اجرایی به دولت تأکید شده بود، جای چندانی برای استقلال عمل و خودکفایی آنها باقی نمانده بود (لطیفی، ۱۳۸۷: ۱۰۴). در سال ۱۳۴۵ آخرین تغییر عمده در قانون شهرداری‌ها صورت گرفت. در این دوران نیز مدیریت شهری انتخابی، پا نگرفت و با وجود تلاش برای تشکیل انجمن‌های شهر در سطح شهرهای کشور، این تجربه به سبب عدم آشنایی مردم و کارگزاران دولتی با روش‌های مردم سالارانه به شکست گرایید (سعید نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

با تغییر بنیادین نظام سیاسی کشور، قانون اساسی جدید بر اداره شورایی کشور در سطح کشوری، استانی، شهری و روستایی تأکید ورزید. در سطح شهرها، شورای اسلامی شهر جایگزین انجمن شهر شد و وظایفی که بر عهده این انجمن بود بر عهده شورای اسلامی شهر گذاشته شد. مسائل و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله، مانع برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر گردید. اما خوشبختانه در سال ۱۳۷۵ قانون "تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهروندان" به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و اولین دوره شوراهای شهر، روستا و ... در سال ۱۳۷۷ به اجرا درآمد و تاکنون چهار دوره آن برگزار شده است (قانون اساسی، ۱۳۷۸: ۵۱).

۲-۲. رویکردهای نوین مدیریت شهری

امروزه، مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است. شهرها برای آن مدیریت می شوند که بتوانند رفاه و آسایش ساکنان خود را تأمین سازند «گسترده‌گی وظایف شهرداری‌ها به ویژه در کشورهای توسعه یافته، ناشی از نگرش نوین به شهرداری‌ها به عنوان سازمان‌های مسئول مدیریت شهری است. امروزه به شهرداری به عنوان پیمانکاری بزرگ که باید صرفاً پاره‌ای از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهر را به انجام رساند، نگریسته نمی شود. بلکه شهرداری به عنوان مؤسسه‌ای مدنی و برخاسته از

مردم، موظف است در جهت توسعه پایدار و انسانی گام بردارد. در رویکرد نوین مدیریت شهری، شهرداری‌ها در کنار فعالیت‌های سنتی و مرسوم خود به اموری مانند: فعالیت‌های فرهنگی، بهزیستی و زیست محیطی نیز می‌پردازند» (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۳: ۸۰-۷۹). مدیریت جدید شهری تنها به معنای تهیه فهرستی از وظایف و فعالیت‌ها برای مدیران نمی‌باشد. این مدیریت شامل برخوردی نوین به مسئله مدیریت شهری است. شیوه‌ایی است نوین از عملکرد یک سازمان، شیوه‌ای نوین در برخورد با دولت مرکزی، نهادهای غیردولتی، بخش خصوصی و مردم. این مدیریت به معنی مدیریت با پویایی بیشتر، خودکفایی مؤثر و فعال‌تر است. به جای وابستگی شهرداری‌ها به دولت مرکزی، خودکفایی به معنای اتکای حکومت‌های محلی به مهارت‌های فنی و تا حد امکان به منابع مالی خودی می‌باشد (IULA-EMME, 1993:11).

۲-۳. شهر شهروند مدار و مؤلفه‌های کلیدی آن

در ایده شهروندی حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده و مسئولیت‌هایی که آنها باید آن را به جهت برخورداری از یک زندگی مناسب تر بر عهده گیرند مشخص می‌شود. باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر، معادل واژه شهروند نیست. شهروند باید در نقش‌های مشارکتی مدیریت بهینه شهر ایفاگر مسئولیت باشد چرا که شهروندی بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت‌های فرد مهیا می‌کند تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود به سوی تعالی، به دست گیرد. (پارسا، ۱۳۸۶). در شهر شهروند مدار به عنوان یک فرآیند مشارکتی برای بهبود امور شهری می‌بایست همه بهره‌وران شامل دولت (مدیریت شهری بخصوص شهرداری‌ها)، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی، مردم و شهروندان به سهم خود برای بهبود شهر قدم‌های مؤثری بردارند. بنابر این لازمه رفع ناپایداری در شهرها، رفع ناپایداری از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و کارآمدسازی بیشتر در اداره امور شهر و تفویض وظایف و قدرت به محلات و مردم، حاکمیت قانون، عدالت فضایی در امکانات پاسخ‌گویی، شفافیت، افزایش ظرفیت بخش خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد همچنین شهروندان می‌بایست در این شهر بر امور مدیران شهری نظارت داشته باشند حسن همکاری با شهرداری و مسئولین شهری از شرایط لازم جهت تحقق آن می‌باشد با این اوصاف منظور از شهر شهروند مدار شهری است که توجه به خواست و نظر مردم یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌گردد مشخصه‌های شهر شهروند مدار به شرح ذیل است:

۱. شهری که در آن مدیریت شهری ضمن شفافیت و پاسخ‌گویی در عملکرد خویش تمام تلاش و مساعی خود را در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توجه به خواست و نظر مردم به انجام برساند.

۲. شهری که شهروندان آن ضمن مشارکت و مسئولیت پذیری در کلیه امور شهر نسبت به مدیریت شهری اعتماد داشته و به شهر خود تعلق مکانی داشته باشند.

۳. شهری که دسترسی به امکانات و خدمات شهری برای استفاده شهروندان مناسب بوده و شهروندان بدون دغدغه و در کمال آسایش به امکانات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند.

۲-۳-۱. مشارکت مردم^۱

مشارکت دارای فواید زیادی برای بهبود امور شهر می‌باشد. یکی از این فواید ظرفیت سازی (Capacity Building) است. با توجه به این که مشارکت یک فعالیت جمعی است، لذا نیازمند وجود روحیه جمعی بوده و با فعالیت انفرادی و تکروری همخوانی ندارد. انتظار مشارکت همگانی در نظام هایی با سوابق تمرکز گرائی بالا که جایی برای مشارکت همگانی باقی نگذاشته انتظاری است که به سهولت تحقق نیافته و نیازمند آماده سازی زمینه‌ها و ظرفیت‌های لازم برای حضور کارآمد مردم و مشارکت آنان در امور مختلف است. ظرفیت سازی برای مشارکت شهروندی ارتباط تنگاتنگی با مفاهیمی چون ظرفیت سازی مدنی (Civil Capacity Building) و ظرفیت سازی اجتماع محلی (Community Capacity Building) دارد. (Chaskin, 2001: 295) مزیت دیگر مشارکت، توانمند سازی (Empowerment) است. توانمندسازی عبارتست از: تشکیل نهادهای محله‌ای یا به رسمیت شناختن نهادهای موجود در تصمیم گیری و هدایت زندگی محله. هدف از مشارکت یا توانمند سازی مدنی مردم، افزایش احساس تعلق به محله و پاسخ‌گویی مناسب اهالی به پرسش «سهم دولت، سهم مردم» در سازماندهی زندگی محله است (خاتم، ۱۳۸۱: ۴۰). در کشور ما ایران نیز بحث مشارکت به عنوان یک موضوع مهم و کلیدی سال‌های متمادی است که مورد توجه واقع شده است اما موانعی همچون بوروکراسی، فقدان سازمان‌های غیررسمی، عدم آگاهی مردم، تمرکزگرایی و ... به عنوان عوامل بازدارنده در تحقق آن عمل می‌نمایند (قوام، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

۲-۳-۲. مدیریت شهری پاسخ‌گو و هماهنگ^۲

شهرهای امروزی بدلیل تولید بی هدف و گسترش بدون حد و مرز، به مثابه یک کارخانه، یک راه آهن و یک زاغه شده است. در این گذر باید بر این نکته تأکید کرد که شهرنشینی و مدیریت شهری باید با رشد معیارها و رفاه اجتماعی توأم باشد (lees & et al, 1976:1815). مشکلات شهری فرصتی در جهت بروز ارزش‌های

انسانی باقی نگذاشته و شهرها تبدیل به فضایی برای کار و خواب، بدون انسجام اجتماعی گردیده‌اند. همه نوع وسایل زندگی در عرصه‌های شهری آماده شده و این درست همپای دور شدن انسان‌ها از یکدیگر است. هر برنامه‌ی عمرانی و هر اقدامی که به گسترش کالبدی یا رفاه شهری می‌انجامد، باید به نحوی عمیق مورد توجه قرار گیرد، تا در این رهگذر جایگاه انسان و ارزش‌های انسانی را ارج نهاده و مرتبت دهد. منظور آن است که مدیریت شهری تشخیص دهد که چیزهایی برای سلامت زندگی در شهرها لازم و چه چیزهایی مضر است. مدیریت شهری، با حفظ اصول باید برای این مسایل به چاره اندیشی بپردازد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۸). مهمترین وظیفه مدیریت شهری که با هدف تقویت و بهبود اجتماع محلی کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد، شهروند سازی (To build citizenship) است. شهروند سازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و ساز و کارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی شان بهره مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی شان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند. تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی و شهری از وظایف مدیریت شهری است (Demaine, OP.Cit: 163-178). روبرط مناسب شهروندی و مدیریت شهری باعث بسط توانایی‌های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر، تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و نیز حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان و مدیریت شهری می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۱).



شکل ۱. ملزومات شهر شهروندمدار

۲-۴. عاملان شهر شهروندمدار

بسیاری از تحلیل‌ها مفهوم شهروندمداری را مفهومی محوری برای تحقق مردم سالاری و توانمندی مدیریت شهری در قرن بیست و یکم قلمداد می‌کنند. مرکز توجه این مفهوم انسان است و لذا هر آن چه به حقوق انسانی، بقا، عدالت، برابری و پاسخ‌گویی به خواسته‌های آنان مربوط می‌شود در حوزه این آرمان می‌باشد. برای تحقق شهر شهروندمدار، عواملی مؤثرند که برخی از آنها عبارتند از:

۲-۴-۱. دولت‌ها

انسان‌ها، همواره برای ارضای نیازهای خود به صورت اجتماع و در کنار هم زندگی کرده و در این میان به تشکیل دولت‌ها همت گماشته‌اند. از نظر دیدگاه‌های نئوکلاسیک (دولت مداخله‌گر) و نئولیبرالیسم (دولت حداقل) همواره وجود دولت برای تحقق آرمان‌های بشری مورد تأکید بوده است. در مسیر دستیابی به شرایط شهروندی و شهروندمداری، وظایف گسترده‌ای بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است، آنها موظف هستند تا مؤلفه‌های پایداری را در تمامی سطوح برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها رعایت کنند (Brohman, 1996: 310). دولت‌ها در تمامی کشورها قادرند با تدوین منظم قانون‌های همسو با جریان توسعه پایدار و بستر سازی روند مشارکت مردم در سرنوشت خود، تحرک اجتماعی را در سطوح مختلف جوامع گسترش داده و موجب افزایش مسئولیت‌پذیری؛ پاسخ‌گویی حکومت‌های محلی و مشارکت شهروندان گردند. دولت‌ها بخصوص در جهان سوم قادرند به صورت مستقیم و غیر مستقیم، با ایجاد شرایط مطلوب با تحرک بخش خصوصی عملاً، در تحقق شهر شهروندمدار نقش پیش‌تاز به عهده بگیرند (Ibid).

۲-۴-۲. سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی، در شکل دهی و تحقق دموکراسی مشارکتی، نقشی حیاتی بر عهده دارند. آنها اعتبار خود را به طور عمده، از نقش مسئولانه و سازنده خود در جامعه کسب می‌کنند و به دلیل پراکندگی و گوناگونی فعالیت‌ها و مهارت‌ها، به ویژه در عرصه نظارت بر امور اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی و نظایر آنها، در تحقق شهر شهروندمدار، از جایگاه بسیار با اهمیتی برخوردارند. این سازمان‌ها، به جهت آزاد بودن از قید و بندهای فعالیت‌های رسمی زمینه‌های بسیار مساعدی برای مشارکت در تمام زمینه‌های توسعه یافته‌اند (نوابخش و سیاه پوشش، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

۲-۴-۳. شهروندان

میان شهروندی و شهرنشینی تفاوت زیادی وجود دارد. شهرنشین کسی است که به لحاظ جغرافیایی در یک قلمرو جغرافیایی به نام شهر ساکن است. اما شهروند دارای فرهنگ شهرنشینی می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۳: ۷۵). اساسی‌ترین و آشکارترین ویژگی‌های شهروند در یک شهر شهروند مدار، احترام به حقوق دیگران، همکاری با سازمان‌های غیردولتی، ایجاد فضا و محله سالم، مشارکت در اداره شهر، انضباط اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، نظارت بر امور مدیران شهری، پایبندی به قانون می‌باشد (پارسا، اعتماد ملی: ۱۳۸۶/۱۱/۲۸).

۲-۵. شهروند مداری و مدیریت پایدار شهری

توسعه پایدار شهری، توسعه‌ای است که از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی قابل دوام و از نظر اجتماعی، دارای برابری و توجه به خواست و نظر مردم باشد (mukomo, 1996:266). به عبارت دیگر توسعه‌ی پایدار شهری به حفظ تعادل‌های زیست محیطی محدود نمی‌شود. لازمه آن پایداری اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و عدالت اجتماعی است (کریمی، ۱۳۸۰: ۳۱). مدیریت شهری در صورتی پایدار خواهد بود که الزامات زیر که از نظر کمیسیون جهانی محیط زیست به عنوان الزامات توسعه پایدار قلمداد شده است را مورد توجه قرار دهد.

جدول ۱. الزامات توسعه پایدار شهری

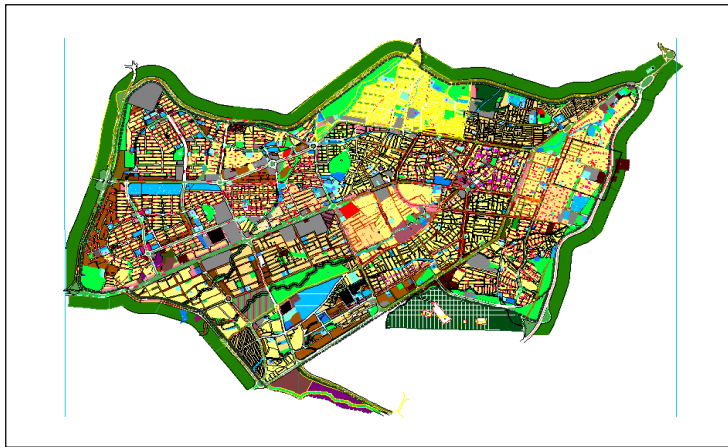
ردیف	الزامات
۱	مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری در بستر یک نظام سیاسی
۲	چاره‌اندیشی برای تنش‌های حاصل از ناموزونی توسعه در بستر یک نظام اقتصادی
۳	التزام به ترمیم و حفاظت محیط زیست در بستر یک نظام تولیدی
۴	وجود انعطاف‌پذیری و خود اصلاحی در بستر یک نظام مدیریتی

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش مورد نظر تحقیق در این پژوهش، توصیفی - کاربردی و مبتنی بر پیمایش است. توصیفی بدان جهت که به بررسی وضعیت متغیرهای دستکاری نشده می‌پردازد و کاربردی به خاطر این که در کوتاه مدت انجام می‌شود و یافته‌های آن مورد استفاده نهادهای ذی‌ربط می‌باشد. و پیمایشی است چون متکی به ابزارهای پرسش‌نامه و گردآوری داده‌ها و تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری است.

۴. محدوده مورد مطالعه

شهر ایلام مرکز و مهمترین شهر در شمال استان واقع شده است. شهر ایلام به عنوان یک نخست شهر ناحیه‌ای، بیش از ۲۵ درصد از کل جمعیت و ۴۵ درصد کل جمعیت شهرنشین استان را در خود جای داده است. این شهر دارای وسعتی حدود ۱۷ کیلومتر مربع براساس محدوده تعیین شده توسط طرح جامع شهر می‌باشد. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۱۴۴۰ متر می‌باشد (شوهانی، ۱۳۷۹: ۴۴).



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

جنگ تحمیلی و تبعات ناشی از آن به شکل گسترده موجب جابه‌جایی جمعیتی گردید. از جمله تبعات و اثرات این مسأله رشد و گسترش شهر ایلام و در نتیجه فشار بر شهر ایلام به عنوان نقطه کانونی جذب مهاجران روستایی بوده است (مهندسین مشاور، ۱۳۸۷: ۱۶). در سال ۱۳۸۵، شهر ایلام با جمعیتی معادل ۱۶۰۳۵۵ نفر بیش از ۲۵ درصد از کل جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده که این نشان‌گر اهمیت آن به عنوان مهم‌ترین نقطه شهری ناحیه بوده است (معاونت برنامه ریزی استانداری، ۱۳۸۸: ۵۵).

جدول ۲. تحولات جمعیت و خانوار شهر ایلام در طی سال‌های (۱۳۸۵ - ۱۳۷۵)

سال	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	افزایش جمعیت	
			تعداد	درصد
۱۳۷۵	۲۲۷۳۲	۱۲۶۳۴۶	۵/۵۶	۱/۶۵
۱۳۸۵	۳۴۶۳۴	۱۶۰۳۵۵	۴/۸۹	۲/۴

منبع: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۸۵ تا ۱۳۵۵

شهر ایلام در طی ۵۰ سال گذشته مهاجرپذیر بوده است. بر اساس آمار و ارقام به دست آمده میزان متوسط نرخ مهاجرت‌پذیری شهر ایلام در طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵ حدود ۴/۵ درصد و در طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ حدود ۴/۲ درصد بوده است که این نسبت شدت مهاجرت‌پذیری شهر ایلام را نشان می‌دهد. توزیع مهاجران وارد شده به شهر ایلام در طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مهاجران که حدود ۷۵ درصد بوده است به شهر ایلام، از استان ایلام بوده‌اند و بقیه از استان‌های همجوار مهاجرت کرده‌اند (شوهانی، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، تعداد ۳۵۰۳۳ به نقاط شهری شهرستان ایلام وارد شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۵۹). با توجه به افزایش مهاجرت روستائیان به شهر ایلام بستر سازی لازم در جهت آموزش شهروندان ضروری می‌باشد. چرا که یکی از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف میزان باسوادی است (شوهانی، ۱۳۷۹: ۱۱۸). در سال ۱۳۷۵ حدود ۷۶/۷۴ درصد از جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان ایلام باسواد بوده‌اند (طاهری، ۱۳۷۷: ۴۸) که این نسبت در سال ۱۳۸۵ به حدود ۸۸/۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). هرچند که نسبت باسوادی در شهر ایلام رقم قابل قبولی را نشان می‌دهد اما مطلوب نیست. با توجه به بافت قبیله‌ای و روستایی شهر ایلام، مدیریت شهری بالاخص شهرداری ایلام، آموزش شهروندی جهت ارتقای فرهنگ شهروندی را بیشتر مورد توجه قرار دهد.

جدول ۳. نسبت باسوادی در میان جمعیت ۶ ساله و بیشتر شهر ایلام در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

۱۳۸۵		۱۳۷۵		گروه سنی
بیسواد	باسواد	بیسواد	باسواد	
۱۲	۸۸/۲۰	۱۵/۵۸	۸۴/۴۲	مرد و زن (درصد)

منبع: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۸۵ تا ۱۳۷۵

۵. یافته‌ها

۵-۱. عملکرد مدیریت شهری

یکی از برجسته ترین وجه تمایز مدیریت شهری سنتی و جدید میزان مشارکت پذیری و توجه به خواست و نظر شهروندان در اداره امور شهرها است. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی، مشارکت

پذیری، رضایت و سرانجام پایداری اجتماعی و زیست محیطی است (صرافی، ۱۳۷۹: ۸۰). از ویژگی‌های بارز مردم شهر ایلام عدم تعلق و تعصب مکانی به شهر و سرزمین خود بوده که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق می‌باشد. در این تحقیق برای بررسی وضعیت شهروندمداری جهت توانمندی مدیریت شهری در ایلام بیش از ۷۰ سؤال از شهروندان و مدیران شهری در قالب پرسش‌نامه به صورت تصادفی توزیع گردید در این سؤال‌ها عملکرد مدیریت شهری، وضعیت مشارکت شهروندان در امور شهر و رابطه این متغیرها با توانمند سازی مدیریت شهری مورد سنجش و ارزیابی واقع شده است. بر این اساس عملکرد مدیریت شهری با ترکیب بیش از ۳۰ سؤال در کلیه بخش‌ها سنجش گردید. با توجه به آمارهای استخراج شده ۲۷/۸ درصد پاسخ‌گویان عملکرد مدیریت شهری را خوب ارزیابی کرده‌اند، ۲۴/۶ درصد ارزیابی عملکرد مدیریت شهر را در حد متوسط و ۴۷/۶ درصد پاسخ‌گویان نیز عملکرد مدیریت شهری در راستای تحقق شهر شهروندمدار را ضعیف قلمداد کرده‌اند. میزان مشارکت شهروندان در چندین سؤال که با هم ترکیب شده اندازه‌گیری شده است که از کل پاسخ‌گویان ۵۴ درصد مشارکت زیاد، ۲۱ درصد مشارکت متوسط و ۲۴/۳ درصد مشارکت کم نشان داده‌اند بدین معنی که میزان مشارکت در بین شهروندان ۵۴ درصد می‌باشد، یعنی این که نصف شهروندان در امور شهر فعال هستند. در شهر ایلام مردم در بعد نگرش و در سطح ذهنی اکثراً موافقت خود را با مشارکت در امور شهر اعلام نموده‌اند و آن را اقدامی مؤثر و مفید در بهبود امور شهر قلمداد می‌کنند، ولی در بعد عملی اکثراً برای مشارکت‌های گوناگون در امور شهر از خود مقاومت نشان می‌دهند که این موضوع نشان دهنده نوعی عدم تعادل شناختی در شهروندان شکل گرفته است این که دیدگاه شناختی آنها با روش‌های عملی موسوم انطباق ندارد.

۵-۲. چالش‌های اساسی مدیریت شهری شهروندمدار در ایلام

شالوده و بنیان ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر ایلام آمیزه‌ای از فرهنگ سنتی ایلیاتی- عشایری با اسلوب شهرنشینی که توسط مهاجران و صاحب منصبانی که جهت تصدی امور سیاسی- اداری به این استان وارد شده‌اند می‌باشد. سه عامل زیر اساسی‌ترین ویژگی‌هایی هستند که روحیات اجتماعی و منش قومی این منطقه از کشور را شکل می‌دهند و در عین حال اساسی‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهری محسوب می‌گردند:

۵-۲-۱. فقدان هویت منطقه‌ای مستقل

ایلام یک واحد اداری- سیاسی است که بنا به ملاحظات سیاسی و اداری ایجاد شده است. پیوندهای میان کردان به خاطر فرهنگ مشترک قومی استحکام خوبی دارد،

طبیعتاً هویت کردی را غنای بیشتری می‌بخشد و هویت ایلامی در مقایسه با آن رنگ می‌بازد. در نهایت وفاداری این مردم به گروه قومی خود بسیار بیشتر است تا به شهر ایلام. این موضوع مانع مهمی به وجود آمدن یک هویت منطقه‌ای ایلامی شده است. غیبت گروه قومی فارس در این استان از دیگر عواملی هستند که در عدم شکل‌گیری هویت مستقل منطقه‌ای مؤثر بوده و این موضوع مانع فرهنگی مهمی بر سر راه توسعه شهری می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۱: ۱۸-۱۴).

۵-۲-۲. ضعف سابقه شهرنشینی

شهر ایلام، مهم‌ترین شهر استان تا سال ۱۳۰۸ روستایی بوده که قلعه والی پشتکوه در نزدیکی آن قرار داشت و محل بیلاق طایفه ده بالا بوده است. از آن زمان، حسین آباد پشتکوه به تصویب فرهنگستان نام ایلام گرفت و شهر محسوب شد. تخته قاپو کردن و یکجانشینی تدریجی عشایر، ضعف اقتصاد کشاورزی و زندگی روستایی همراه با جنگ تحمیلی با عراق که ساکنان روستاها و شهرک‌های مرزی را از صحنه کارزار به سوی شهر ایلام کوچاند و با قطع ارتباط تجاری شغلی با شهرهای عراق فعالیت اقتصادی را کاهش داد، دست به دست هم دادند و جمعیت را به سوی شهرهای کوچک منطقه و به ویژه شهر ایلام کشانیدند. به طوری که شهر ایلام را که در طول تاریخ ۶۰ ساله خود هیچ فعالیت اقتصادی مهمی در آن رواج نداشته از محل بیلاق ده بالا به شهری با جمعیتی حدود ۸ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۶۰۳۵۵ در سال ۱۳۸۵ تبدیل کرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

۵-۲-۳. زندگی و فرهنگ قبیله‌ای در ایلام (فرهنگ روستایی)

در ایلام فرهنگ قبیله‌ای و عشایری حضور قدرتمند دارد. مردم کاملاً براساس وابستگی قومی - طایفه‌ای خود شناخته می‌شوند و توزیع جمعیت در محلات شهرها هم بر این اساس است. همه مردم این شهر بهر حال به طایفه و ایل و قومی منتسب می‌شوند و همه بر این وابستگی طایفه‌ای خویش آگاهی دارند. هر عضو طایفه نظرات مشترکی با سایر اعضا طایفه در مورد مسائل اجتماعی دارد و هر قبیله دارای تعصبات خاص خود است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴: ۲۱).

شهر ایلام از ۴ منطقه و ۱۴ ناحیه تشکیل شده که هر ناحیه شامل چند محله می‌باشد و محلات معمولاً به صورت غالب به قوم خاصی تعلق دارند. مثلاً محله بان بور بیشتر ایل خزل و شوهان در آن مستقر است این بافت قومی باعث معضلات فراوانی در راستای تحقق فرهنگ شهروندی گردیده است. از جمله نگرش‌های غالب در شهر ایلام بی توجهی به شهر و امکانات و تسهیلات موجود در شهر و توجه به طایفه خود می‌باشد.

۵-۳. آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین تحقق الگوی شهر شهروند مدار و مدیریت شهری کارآمد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از ۱۴ فرضیه خرد استفاده شده و کلیه متغیرهای اصلی مؤثر در تحقق شهر شهروند مدار مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته‌اند. با توجه به بررسی‌های بعمل آمده سطح معنی‌داری محاسبه شده ($P= 0/034$) کمتر از سطح معنی‌داری مشخص و مطمئن $\alpha= 0/05$ می‌باشد لذا فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنی که بین تحقق متغیرهای مؤثر در تحقق شهر شهروند مدار همچون: مشارکت، اعتماد، آموزش، مسئولیت‌پذیری شهروندان، توزیع مناسب فضاهای عمومی، حضور مؤثر سازمان‌های غیر دولتی و مدیریت شهری کارآمد رابطه مثبت و قوی برقرار است با توجه به آمارهای بدست آمده شهر ایلام را نمی‌توان شهر شهروند مدار قلمداد نمود چرا که ۳ متغیر شهر شهروند مدار در شهر ایلام از وضعیت نامناسب برخوردار بوده است. جهت رسیدن به شهر شهروند مدار می‌بایست برنامه‌ها و تدابیر مهم توسط مسئولین شهری اتخاذ شود.

جدول ۴. رابطه بین متغیرهای شهر شهروند مدار و مدیریت شهری کارآمد

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	سطح اطمینان	تعداد نمونه
ضریب همبستگی پیرسون $r = 0/49$	$P= 0/034$	$\alpha= 0/05$	۳۸۳

فرضیه دوم: بین عملکرد مدیریت شهری و تقویت روحیه شهروندی رابطه وجود دارد. در فرضیه دوم به سنجش رابطه بین عملکرد مدیریت شهری و تقویت روحیه شهروندی پرداخته شده است. با توجه به این که سطح معنی‌داری محاسبه شده ($P= 0/019$) کمتر از سطح معنی‌داری مشخص $\alpha= 0/05$ می‌باشد لذا فرضیه اول پذیرفته می‌شود بدین معنی که بین عملکرد مثبت مدیریت شهری و تقویت فرهنگ و روحیه شهروند مداری رابطه وجود دارد و اگر مدیریت شهر عملکرد مناسب نداشته باشد، این مسأله کمرنگ خواهد بود.

جدول ۵. رابطه بین عملکرد مدیریت شهری و تقویت روحیه شهروندی

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	سطح اطمینان	تعداد نمونه
ضریب همبستگی پیرسون $r = 0/54$	$P = 0/019$	$\alpha = 0/05$	۳۸۳

فرضیه سوم: بین میزان مشارکت شهروندان و مدیریت شهری پایدار رابطه وجود دارد.

در فرضیه سوم به رابطه بین میزان مشارکت شهروندان و مدیریت شهری پایدار پرداخته شده است. مشارکت دارای مزیت‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، طرح‌ریزی، اقتصادی و جزء اینهاست. در فرآیند مشارکت روحیه اجتماعی و حس همکاری و تعهد پدید می‌آید، مشارکت امکان ترفیع، آموزش و تربیت قشر کم درآمد و محروم از قدرت را فراهم می‌کند و آنان را در اجتماعی وسیع‌تری به هم می‌پیوندد. شاید بهترین مزیت مشارکت این است که مردم و مسئولان را به یکدیگر نزدیکتر می‌کند و ما را جایگزین من و تو می‌سازد.

در شهر ایلام با توجه به آمار و اطلاعات موجود، بیشتر مردم تمایل به مشارکت در امور شهر دارند و مشارکت را به عنوان یک متغیر مؤثر در مدیریت پایدار شهری قلمداد می‌کنند اما در عمل مشارکت‌پذیری زیادی ندارند.

با توجه به این که سطح معنی‌داری محاسبه شده ($P = 0/029$) کمتر از سطح معنی‌داری مشخص $\alpha = 0/05$ می‌باشد لذا این فرضیه تأیید می‌شود. بدین معنا که بین مشارکت شهروندان و دخالت آنها در امور شهر و مدیریت شهری پایدار رابطه وجود دارد و مشارکت زیاد تأثیر فراوانی در توانمندسازی مدیریت شهری دارد.

جدول ۶. رابطه بین مشارکت شهروندان و مداخله آنها در امور شهر و مدیریت شهری

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	سطح اطمینان	تعداد نمونه
ضریب همبستگی پیرسون $r = 0/59$	$P = 0/029$	$\alpha = 0/05$	۳۸۳

۷. نتیجه‌گیری

وضعیت نواحی شهر ایلام از منظر شهر شهروندمدار (مشارکت و ...) نتایج چندان مطلوبی نداشته و این موضوع نشانگر آن است که شهر ایلام براساس اصول شهروند

مداری اداره نمی‌شود و اغلب شهروندان و نیز مدیران شهری آمادگی و زمینه ذهنی لازم برای درک شهر شهروند مدار را نیافته‌اند هر چند که اظهار نظر قطعی در این مورد منوط به تکرار پژوهش در سال‌های آتی و مقایسه آن با پژوهش‌های قبلی است. جهت تحقق این مفهوم مهم، راهکارهایی به منظور حصول به اهداف پژوهش در جهت توانمند سازی مدیریت شهری ارائه می‌شود:

۱. تشکیل شوراهای محله‌ای در سطح تمامی نواحی شهر ایلام جهت بالا بردن میزان مشارکت و درگیر نمودن شهروندان در تصمیم‌گیری امور شهر.
۲. ایجاد تحول اساسی و بنیادی در نظام برنامه‌ریزی، مدیریتی و اجرایی امور شهر به گونه‌ای که زمینه برای هماهنگی سازمان‌های متعدد دخیل در شهر فراهم شود.
۳. تلاش و فعالیت وسیع در زمینه آموزش شهروندان و ارتقاء فرهنگ شهرنشینی و اصول شهروندمداری و تغییر دیدگاه و باور شهروندان از تماشاجی به ناظر و مشارکتی امور شهر
۴. تلاش در جهت ارتقاء فرهنگ مشارکت جویی در مدیران و مسئولان و ارتقاء فرهنگ مشارکت‌پذیری برای شهروندان.
۵. ارائه عملکرد سالانه بودجه و برنامه‌های شهر در سطح شهر و اطلاع‌رسانی به عموم مردم به جهت اعتمادسازی شهروندان و جلب مشارکت آنها.
۶. برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها و میزگردهای علمی و انتقادی از وضعیت شهر و برنامه‌های شهر برای رسیدن به برنامه‌های مطلوب توسعه و عمران شهر.

۸. منابع

۱. بمانیان، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی، ۱۳۸۷، **شهرسازی رفاه گرا**، سازمان شهرداریهای و دهیاریهای کشور.
۲. پاپلی یزدی، محمد حسین و رجیبی سناجردی، حسین، ۱۳۸۲، **نظریه‌های شهر و پیرامون**، انتشارات سمت.
۳. پارسا، غفار، **روزنامه اعتماد ملی**، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸.
۴. خاتم، اعظم، ۱۳۸۱، **سهام مردم، سهم دولت در طرح‌های توانمند سازی و بهسازی محله**، فصل‌نامه هفت شهر، شماره ۹-۱۰، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی.
۵. خسروی، عباس، ۱۳۷۷، **تحول در مدیریت شهری**، همایش شوراها و مشارکت مردمی، وزارت کشور.
۶. رضوانی، محمد رضا، ۱۳۸۳، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، انتشارات قومس،
۷. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، **قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی ایران**، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه.
۸. سعیدنیا، احمد، ۱۳۷۴، **مدیریت شهری (کتاب سبز)**، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
۹. سلطان زاده، حسین، ۱۳۶۷، **مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**، انتشارات امیرکبیر.
۱۰. شو هانی، محمد وشو هانی، نادر، ۱۳۸۳، **شناخت عوامل مؤثر در توسعه فیزیکی شهر ایلام**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام.
۱۱. صرافعی، مظفر و دیگران، ۱۳۷۹، **مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری**، فصل‌نامه مدیریت شهری سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، شماره ۱۴.
۱۲. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، ۱۳۸۰.
۱۳. قوام، احمد، ۱۳۸۱، **توسعه سیاسی و تحول اداری**، انتشارات قومس، تهران.
۱۴. کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید، ۱۳۸۱، **امکان‌سنجی وظایف جدید به شهرداریها**، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
۱۵. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵.
۱۶. مزینی، منوچهر، ۱۳۷۹، **شهرداری، شوراها و مدیریت شهری در ایران**، فصل‌نامه مدیریت شهری، شماره ۲.
۱۷. مهدی‌زاده، جواد و دیگران، ۱۳۸۲، **برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهر**، تهران، مسکن و شهرسازی.
۱۸. نجاتی حسینی، محمود، ۱۳۸۰، **جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداریها**، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
۱۹. نجاتی حسینی، محمود، ۱۳۷۸، **پارادایم جدید مدیریت شهری**، فصل‌نامه مدیریت شهری، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، شماره ۱.
۲۰. نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، **پویایی نظام شهری در ایران**، انتشارات مبتکران.
۲۱. نظریان، اصغر، ۱۳۷۴، **جغرافیای شهری ایران**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۲. نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاه پوش، اسحق، ۱۳۸۸، **مبانی توسعه پایدار شهری**، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۳. لطیفی، غلامرضا، ۱۳۸۷، **مدیریت شهر**، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
24. Demain, j et al., 1996, **Beyond Communitarianism**, MacMillan.
25. IULA- EMME, 1993, **urban management development**, IULA- EMME- MED- URBS, Istanbul.
26. Lees, A. etal, Eds., 1976, **The Urbanization and Economic Development in Germany 1815- 1914**, In : **Town in Societies: Essays in economic history and historical society** (P. Abrams and E. A. Wrigley, Eds.) Cambridge Univ. press.
27. Mukomo, S.I., 1996, **On sustainable urban development in Sub-Sahara Africa**, Cities. 13(4).
28. Marshall, T.H., 1950, **Citizenship and Social Class and Other Essays**. (Cambridge: University of Cambridge Press). [This work was later published in 1964 as *Class Citizenship and Social Development*, 1964, London: Heinemann].